

بیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۱۹ - سال چهارم تیر ماه ۱۳۷۴ ایرانی
جون ۲۰۰۶ میلادی - ۱۳۸۵ اسلامی

یک سرایدار مدرسه

از هزار کشیش

مفید تر است

توماس پین

ادیان بر اثر ترس

اکثریت وزرنگی

اقلیت بنیاد شده‌اند

استاندال

به دنبال انقلابی که دزدیده شد خدای را هم ربوده‌اند. چگونگی در برگ های درونی

بحث و جدال با کسی که به جای اندیشه و خرد، دین را انتخاب کرده
مانند تجویز دارو به بدن یک مُرده است توماس ادیسون

دکتر م. مهر آسا

خدای دروغینی که ادیان معرفی می‌کنند

مطلقاً یکتا و یگانه نیست!

نه رعایت جوانب می‌کنم، و نه به خاطر رنجش خداپرستان به خود سانسوری متوسل می‌شوم، و نه از هر نوع تیر و چوب - از تکفیر و طعنه و فلزی‌اش - هراس دارم. پس با روشنی می‌گویم: خدائی که ادیان به‌عنوان خالق کائنات تصور و تصویر و درست کرده‌اند، وجود ندارد و موجودی وهمی است.

بنیانگذاران دین های سامی و متولیان آن آئین‌ها چیزی بیش از سه هزار سال است کوشیده‌اند تا ثابت و تأیید کنند خدای معرفی شده توسط آنها یگانه است و بی شریک؛ و تنها اوست و غیر از او خدائی نیست... خدائی که درست شبیه بشر است اما در حد و مقام سلطانی مقتدر همانند فرعون مصر... «سفر پیدایش - باب پنجم - آیه ۱: اینست کتاب پیدایش آدم، در روزی که خدا آدم را شبیه خدا ساخت.»

از این رو چون خدای ساخت ادیان مخلوق ذهن بشر و شبیه ما آدمیان است، لاجرم همچون ما آدمیان، قهر می‌کند، ناز می‌کند، مهر می‌ورزد، قایم باشک بازی می‌کند، پاهایش را می‌شوید، نان و گوشت می‌خورد، گشتی می‌گیرد، دنبال گمشده‌اش میدود، عصبانی می‌شود، مکر می‌کند و... شبان مولانا هم، چاق‌اش را می‌دوزد و سرش را شانه می‌زنند و دیگر قضایا...

همچنین به این دلیل که خدای ساخت موسی رقیب به صفحه‌ی بعد

دکتر محمد عاصمی - آلمان

آموزگار شادی و بهروزی

از شماره‌ی پیش

من به آئینی باور دارم که به آبها، به گیاهها و به چارپایان سودمند، ارج می‌گذارد آئینی که می‌گوید: اهورمزدا، چارپایان و مردان پاک را بیافرید

و اینک ادامه‌ی نوشتار

در گاتها، از جمله به یک نکته‌ی بسیار شگفت انگیز بر می‌خوریم: زرتشت تنها پیام دهنده است که نان پیامبری نمی‌خورد، بلکه در جستجوی خورش روزانه، کار می‌کرده است و نیز، پیش آمده است که کارفرمایان (در آن زمان هم بهره‌کشی وجود داشته است) مُزد او را، آن چنان که سزایش بوده است، نپرداخته‌اند!

ای اهورا!

چگونه آن مزدی که به من نوید دادند و نپرداختند:

ده مادیان و ده اسب و یک شتر

به دستیاری اردیبهشت به من ارزانی خواهد شد؟

و در پی همین سرود است که به ویژگی دیگری برمیخوریم... به صفحه ۳

کلیسا نه مکان گردهمایی روحانیون، بلکه تیمارستان گناهکاران است

جرج گریک استوارت

فرعون مصر است و برای مبارزه با فرعون به وجود آمد، همچون فرعون، برای ارسال پیام‌هایش پستیچی دارد که نامش جبرئیل است، جلادش عزرائیل، خزانه دارش میکائیل و شیپورچی‌اش اسرافیل نام گرفته‌اند و میلیونها فرشته‌ی دیگر...؛ میلیاردها حوری و غلمان نیز همه منتظر ورود انسان در روز موعود رستاخیز، فعلاً بیکار در آسمان و در قصر و عرش باری‌تعالی و در دست خدا لم داده‌اند

بدیهی است چون این خالق خودش در آسمان‌ها تشریف دارد و از دسترسی به زمین عاجز است، مباشرین و نمایندگان در روی زمین تعیین کرده است تا در این کره‌ای که چون دانه‌ای خشخاش در برابر کائنات است منویاتش را دنبال و اجرا کنند...

بدون شک، هر آدم خردمندی اگر ترس القائی و تلقینی دین‌ها را از ذهن خود دور کرده باشد، می‌داند که خلق و ارائه‌ی هیولایی نادیده و مرموز در مقام «خالق کاینات» یک ادعای صرف بیش نیست؛ و هرآنچه به‌عنوان دلیل و مدرک بر وجود آن ارائه شده است، تمام و کمال در حد پندار و تلقین و زورگویی است؛ و هیچ برهان و منطق ریاضی، این ادعاها را پشتیبانی نکرده است.

انجیل و قرآن، بدون آنکه موجودی، هیكلی، شکلی و شیئی را به مردم نشان داده باشند، مرتب می‌گویند و دستور می‌دهند که غیر از این خدا خدایی دیگر نیست؛ و مبدا خدای دیگری را قبول کنید. اینگونه دستورها در حالی است که «خدای» مورد اشاره و توصیه شده توسط پیامبران، اصولاً معلوم نیست کیست، کجاست، چه شکلی است و چگونه جنمی است. آخر هنگامی که به چیزی و موجودی اشاره می‌شود، باید حداقل شناخت که همانا دیدن آن جسم و موجود است در دسترس باشد تا مقایسه شود و بگوئیم: غیر از این، کسی را و چیزی دیگر را نپذیرید.

در سراسر قرآن بدون آنکه بگوید و شرح دهد که این خدا کیست و کجاست و چه شمایلی دارد، مرتب از قول این «الله» نامعلوم، سخن می‌گوید، می‌ترساند و امر می‌کند که مبدا خدایی دیگر غیر از من را قبول کنی...! آیا نباید پرسید تو کی هستی و چرا خود را نمی‌نمایی تا ما قبولت کنیم؟... اگر مباشرانت می‌گویند آسمان و زمین را بنگر که او ساخته است؛ مخالفتت بر همان روش معرفی تو که پندارگرایی و توهم سازی است، پاسخ خواهند داد خیر اگر بنا بر تصور است، سلها خدای دیگر هم که همه لامکان‌اند و دنیا را ساخته‌اند وجود دارد... و آن خدایان نیز خود خالقی دارند و... زیرا مسئله خیال است و توهم و هرکس می‌تواند خدای مخلوق ذهن خود را معرفی کند و... همینطور دور تسلسل و توهم...

لازم به یادآوری است تورات که درست یا نادرست به عنوان نخستین بیان‌کننده و معرفی‌کننده‌ی یکتاپرستی شهره شده است،

هیچگاه از تک خدایی و یکتایی خدا سخنی نمی‌گوید و اصولاً به آن اهمیت نمی‌دهد. برای تورات و قوم یهود، مهم آن است که مخاطبان بپذیرند «یهوه» خدای بنی اسرائیل از دیگر خداها بهتر و برتر است. و گرنه هیچگاه در تورات به تنهایی و یکتایی یهوه اشاره نشده و او را خدای واحد و تنها خدا خطاب نمی‌کند، بلکه او خدای بنی اسرائیل بوده و بر دیگر خدایان سر و سرور است...

مثلاً در باب نهم سفر خروج آیه یک تورات می‌گوید: «خداوند به موسی گفت نزد فرعون برو و به وی بگو یهوه خدای عبرانیان چنین می‌گوید...» و در آیه ۱۳ دوباره این مطلب با لحنی دیگر تکرار می‌شود... و در باب دهم از سفر خروج در آیه سوم می‌گوید: «پس موسی و هارون نزد فرعون آمده به وی گفتند یهوه خدای عبرانیان چنین می‌گوید و...»

به این ترتیب مشخص می‌شود که یهوه خدای عالم نیست بل خدای یهودیان است. یهوه به موسی و هارون نمی‌گوید: «برو به فرعون بگو خدای عالمیان می‌گوید...» بلکه سخن از خدای عبرانیان است و بس.

پس به این ترتیب آشکار است که موسی در برابر فرعون مصر (خدای زمین)، برای قومش خدایی اختراع می‌کند که مکانش در آسمان (بالای سر آدمی) است و دور از دسترس بشر است و به مراتب نیرومندتر از فرعون معرفی می‌شود. زیرا ازدهایی که این خدا با عصای موسی می‌سازد، تمام مارهای فرعون را می‌بلعد!

عیسی نیز خود یهودی زاده‌ای است که در ضمن خاخام است و هوس سلطنت‌گریبانش را گرفته تا هم پادشاه قومش شود و هم دین موسی را نجات دهد... این که حواریونش ادعای این آخوند یهودی را به دینی جدید مبدل کردند و او را پسر یهوه خواندند، داستانی است که بیشتر به اسطوره پهلوی می‌زند و تداومش را واتیکان پی گرفته است.

محمد سلطان و پیامبر اعراب نیز هرچند ۲۳ سال مردم را به یکتاپرستی خواند و با نیروی خطابی و زور شمشیر و گشتار، خود و جانشینانش گستره‌ای پهناور از کره‌ی زمین را مستعمره‌ی اعراب و اسلام کردند، خدایش یکتا نیست، بلکه این خدای ذهنیت حضرت محمد، مطابق شعار پایه‌ای دینش - که ورد زبان مسلمانان است - تنها از دیگران بزرگتر است. شعار حضرت محمد و ندای دین ابداعی‌اش «الله اکبر» است که در بانگ نماز (اذان) و در اجرای نماز و هنگام نیاز و دعا و هراس و حتا خودمانی، مرتب تکرار می‌شود و بر زبان می‌آید: «الله اکبر»...

اما... واژه‌ی «اکبر» به معنای بزرگتر است و «الله اکبر» یعنی خدا بزرگتر است. بنا بر این پسوند «تر» که علامت صفت تفضیلی است، برتری یکی را بر دیگران نشان می‌دهد و باید در این میان و میدان دیگرانی و خدایانی دیگر باشند که الله از آنها بزرگتر باشد. و گرنه باید می‌گفت: الله کبیر یا الله عظیم. (خدا بزرگ است، خدا گنده است)

می‌کنند... همان شکی که انگار در خون ایرانی دویده و پس از گذشت قرون، به یک جور «دیر باوری» ملی تبدیل شده است... درگاتاها، بهر تقدیر، چندین نمونه در همین زمینه می‌توان یافت که هر بار، گوئی آموزگار خردمند، اصراری داشته است که پاسخ پاره‌ای از پرسش‌ها یا آرزوهای خویش را در همین جهان بیابد:

ای اهورا!

مرا از آنچه بدان آگاهی، آگاه گردان

آیا پیش از فرا رسیدن روز بازپسین

که کیفر دروغ پرست،

در جهان مینوی بدو داده خواهد شد

شود که پیرو راستی، در همین جهان

دروغ پرست را شکست دهد و رسوا سازد؟

شکل تنظیم گاتاها، خود یکی از ویژگیهای زرتشت است.

اندیشمندی ایرانی - برخلاف دیگر پیامبران - برای هر پرسش، پاسخ آماده‌ای ندارد یا نمی‌آورد. بسیاری چیزها را نمیداند و خود می‌گوید که نمیداند و می‌خواهد که بداند، اما آیا هرگز خواهد دانست؟

ای اهورا!

آیا براستی چنان است که من نوید می‌دهم؟

آیا براستی، اردیبهشت و سپندارمند،

به یاری پاکان خواهند شتافت؟

و آیا بهمن،

درهای جهان مینویات را بروی ما خواهد گشود؟

و به این پرسش بسیار شگفت‌انگیز توجه کنید:

ای اهورا!

آیا مردم، به درستی، با گفتار و کردار راست به آیین من

آیینی که با راستی پیوسته و مایه بهروزی است،

خواهند گروید، یانه به امید بخششهای تو؟....

بقیه در شماره بعد

جدا از این نارسایی و یا عوام‌فریبی و مغالطه، چون خدای ادیان ابراهیمی نامرئی، ناپیدا و دور از دسترس است و کسی شکل و شمایل و هیبت و هیئتش را ندیده و حتا خود سازندگان این موجود نا پیدا هم نمی‌توانستند هیکل او را در ذهن خود مجسم کنند، در اندیشه‌ی هر خداشناسی، بیهوه و روح‌القدس و الله، برحسب خیال و توهم خود مؤمن تصویر می‌شود و برطبق برآورد مؤمن در مخیله شکل می‌گیرد. به سخنی روشن‌تر به تعداد وجود هر آدم خداپرستی یک خدا در ذهن هر فرد تصور و تصویر می‌شود که با پروردگار فرد خداشناس دیگر متفاوت است. زیرا اگر تنها نام و نشانی گنگ را از کسی، جسمی، پدیده‌ای و شیئی برای گروهی که آن جسم را ندیده‌اند بگویند، هر فرد مطابق ذوق و سلیقه‌ی خویش، شکل و شمایلی برای آن موجود نادیده در مخیله‌ی خود می‌سازد که با تصور دیگری به کل متفاوت است. بی ذره‌ای تردید، خدای یکتاپرستان نیز، غیر از این نیست و هر خدا پرست در تصورش، خدای مخلوق ذهنیت خود را گنجانیده است... از همین رو است که حافظ می‌گوید:

معشوق چون نقاب ز رخ بر نمی‌کشد

هرکس حکایتی به تصور چرا کند؟

پس با قاطعیت باید گفت: برخلاف ادعای پیغمبران، هیچ یک از آنان خدای یگانه را به مردم ارائه و تبلیغ نکرده بلکه به جای «یکتاپرستی»، «وهم پرستی و خیالبافی» آن هم به تعداد میلیاردها را بنیان نهاده‌اند. و گر نه یکتاپرست، باید خدایش معین، معلوم، مشخص، در دسترس، قابل رؤیت و در مسیر اشاره و دید باشد. در غیر اینصورت، خدایی وجود ندارد...

آموزگار شادی و بهروزی

بقیه از صفحه‌ی اول

زرتشت که ظاهراً نمی‌تواند به آسانی از ده مادیان و ده اسب و یک شتر بگذرد (تا آنجا که مبادا در بارگاه اهورا اشتباهی روی دهد سرانه چارپایان را در نماز خویش باز می‌شمارد) می‌خواهد بداند تکلیف چنین آدم فرومایه‌ای که از پرداخت مزد او خود داری کرده چیست. اما - و اهمیت نکته اینجاست - در جواب پرسش خود به این پیام‌مزد، که در آن دنیا فلان و بهانش خواهیم کرد راضی نخواهد شد، او می‌خواهد دقیقاً بداند که سرنوشت چنین آدمی، در این دنیا چیست؟

ای اهورا

آن کس که از پرداخت مزدی که خود نوید داده، سرباز زند

سزای او در این جهان چیست؟

از سزائی که چنین کسی را در جهان مینوی خواهد بود، آگاهم

دیرگاهی است که براین سخن ایستاده‌ام:

در این گفتار زرتشت، یک آب و رنگ شک و تردید به چشم می‌خورد. همان «شک» و پرسشی که دو هزار سال بعد، در ایران و در انجمن سربازان و سخنوران و دانشمندان این سرزمین، باز جلوه‌گری

می‌گویند اسلام بخودی خود ندارد عیبی، عیب از مسلمانی ما است. اگر هم این سخن بی معنا درست باشد، دینی که ضعیف‌تر از عیب ما است و از چنان نیرویی برخوردار نیست تا عیب ما را برطرف کند بهتر است از میان برداشته شود تا خود چاره کار کنیم.

۱۴۰۰ سال اسلام نتوانست ما انسانها را عوض کند، ما باید اسلام را با خرد خود عوض کنیم.

خدای ربوده شدنی

پاسخ به نوشته آقای نوری علا نامه‌ی (۱)
از محقق مسایل دینی - آقای هوشنگ معین زاده

شاعر و نویسنده گرانقدر ما، دکتر اسماعیل نوری علا طی مقاله‌ای به نام «خدایی که ربوده شد» مطالبی را مطرح کرده‌اند که نگاهی نقدگونه بدان بی فایده نیست.

در باره اینکه چرا بسیاری برخلاف نظر جناب نوری علا، براین باورند که از اول چنین بابایی (خدایی) وجود نداشته است. جای تعجب نیست، زیر اگر چنین موجودی وجود داشت، حتی اگر او را ربوده و پنهان کرده بودند به یقین او را می یافتند و اینقدر خدا خدای بی جواب سر نمی دادند.

ناسلامتی خدا که از کیکاوس کمتر نیست، وقتی که این پادشاه را دیوان ربودند و پنهان کردند دیدیم که چطور رستم دستان دیوان و ددان را کشت و کیکاوس را به تختگاه فرمانروایی اش باز گرداند، آیا در میان خیل خدا باوران رستم دستانی نبود که او را بیابد و از دست دیوان (آیت الله ها) نجاتش دهد.

بنظر من خدا یک پدیده ذهنی است نه عینی، یک پدیده ذهنی را نه می توان نگریست و نه آنرا مشخص و نه حتی آن را به درستی تعریف کرد،... هر انسانی خدای ذهنی خود را دارد که با خدای دیگر انسانها متفاوت است، پدیده های ذهنی که خدا هم از آن جمله است ربودن و پنهان کردنی نیست،

آقای نوری علا سخنی از میلیاردها انسان خدا باور به میان آورده‌اند، اما نگفته‌اند که این میلیاردها چطور و از کجا خدا باور شده‌اند؟

و اگر قرار باشد خدا را بدون استدلال بپذیریم بایستی شیطان و جن و پری و بهشت و دوزخ و غیره را هم بدون هیچ پرسشی پذیرا باشیم، امام زمان را نیز بپذیریم.

آقای نوری علا نوشته است، «مشکل ما از زمانی بوجود می آید که سازمانها و آدمیانی بین ما و خدا جدایی می افکنند. این دستگاهها و آدمیان همان کسانی هستند که در لباس شبان، ما گله‌ها را خدا باور کرده‌اند، آنها مطاعی به ما فروخته‌اند که قرار است «سرخمرن» به ما تحویل بدهند، رابطه ما با آنان رابطه بین دلال و فروشنده و خریدار است، چطور می خواهید دلالتها را (که معرفی کننده جنس هستند) ندیده بگیرید.

مگر جناب نوری علا، به عنوان یک مسلمان شیعه مذهب و باورمند به الله، سالیانه خمس درآمدشان را به مجتهدی که از او تقلید می کنند (و خدا را به او معرفی کرده است) نمی پردازند؟ ولابد می دانند که اگر خمس و سهم امامشان را به موقع و کامل نپردازند به خدای دین خود کافر شده‌اند. اینکه خدا بی واسطه با بندگان خود در ارتباط باشد

اخیراً مقاله‌ای به نام خدای ربوده شده به قلم شاعر گرامی آقای اسماعیل نوری علا منتشر شده است که واکنش هایی را در بین روشنفکران ایران برانگیخته. از میان نظرات ابراز شده و نوشته های انتقادی براین مقاله سه پاسخ و ۴ نامه مرتبط به موضوع را می آوریم. لازم به توضیح است که بعلت کمبود جا سطور شاخص شیره کلام و منظور اصلی نویسندگان را بطوریکه به اصل هدف نویسنده آسیبی نرسد می نویسیم و از حواشی و مثال های متعدد می گذریم.

نکات برجسته مقاله آقای اسماعیل نوری علا

- آیت الله ها و حجت الاسلام ها خدا را ربوده و در زیر زمین مسجد خویش پنهان کرده‌اند.
- برای میلیاردها انسان خدا باور اثبات وجود خداوند نیازی به استدلال ندارد،
- آنان در اعماق جان خویش حضور این «در برابر چشم غایب از نظر» را درک می کنند... آنان می توانند از نجات های معجزه آمیز، از دعاها مستجاب شده و از الهام های ناگهانی که بسراغشان آمده برایتان قصه ها بگویند.
- در چشم انداز تخیل من، زمانی قابل تجسم نیست که اکثریت آدمیان به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشند، انگاری که خدا با آدمی آمده و با او باقی خواهد ماند، چرا که درد را مرهمی، بیچارگی را چاره، بخشاینده و مهربان و پناه بی پناهان است.
- چه کسی می تواند به ما بگوید که خدایی با چنین کار کرد وسیع را باید از دل ها و مغزهای آدمیان بیرون کشید.
- مشکل آدمی از آنجا آغاز می شود که سازمان هایی و آدمیانی بین او و خدایی به این نزدیک فاصله های بعید و جدایی های دردناکی می افکنند.
- انسان در جستجوی خویش برای یافتن درمان دردهایش یکباره خود را در تار عنکبوت مجموعه ای دست و پاگیر به نام مذهب می یابد که به نمایندگی خدا - تا خلوت حریم خانه با او راه می آید.
- هرچه مذهب مسلط تر می شود دره بین انسان و خدا گشاده تر می شود. در این فاصله دیگر نمی توان با خدای مذهب به راز و نیاز نشست.
- سکولاریسم می خواهد واسطه ها را از بین خدا و انسان بردارد و خدا را به خلوت خانه های مردم برگرداند. چرا که در گوهر سکولاریسم نه خدا انکار کردنی است و نه انسان از خدا باوری نهی می شود، سکولاریسم می کوشد تا با کوتاه کردن دست سازمان مذهبی و دینکاران کاسب از زندگی اجتماعی، انسان را به خدای دوست داشتنی برگرداند.

حرف و منطق دین و مذهب نیست، خدایی را که ما می‌پرستیم همان خدایی است که می‌بایستی با واسطه پیغمبر و در غیاب او با واسطه امامان و در نبودشان با واسطه فقها و مجتهدان ارتباط برقرار کنیم. ما ناچاریم از روحانیون بخواهیم که برایمان حدیث نقل کنند، کتاب تفسیر نمایند و در هر موقعیت اجتماعی که هستیم به ما بگویند برای مبال رفتن با کدام پا برویم تا دینمان درست و خدایمان از ما راضی باشد.

خدای ما، خدای مادر، خدای معلم مدرسه و خدای آخوند سرگذر ماست، همان خدایی که برای دست‌یابی رحمت او، اولاً بایستی به امر و نهی نمایندگان او گردن بنهیم، دوم حق و حقوقی که این آقایان مدعی هستند به موقع حضورشان تقدیم کنیم.

نخیر دکتر جان، آنها خدا را از ما نربوده و در زیر زمین مسجد پنهان نکرده‌اند، آنچه را که آنها از ما ربوده و در زیر زمین مسجد پنهان کرده‌اند، عقل و خرد ماست و گر نه خدا با آنهمه صفاتی که خدا سازان (و خدا باوران) برایش ردیف کرده‌اند ربوده شدنی و پنهان کردنی نیست.

طرفه آنکه، استنباط من از نوشته جناب نوری علا این است که حرف و حدیث ایشان همان است که فقها و مجتهدین می‌گویند منتهی با زبان متفاوت.

فقها همین حرف‌ها را به زبان عامیانه می‌زنند که عوام را خوش آید و در لابلای جملاتشان نیز چندین آیه و حدیث می‌آورند که هیچ شک و تردیدی برای شنوندگان خود باقی نگذارند.

جناب نوری علا نیز همان حرف‌ها را به زبان ادیبانه آورده‌اند که خواص را خوش آید با این تفاوت که بجای آیات الهی و احادیث نبوی ابیاتی از شعرای بزرگ را گواه درستی سخن خود کرده‌اند.

وقتی من مسلمان یا مسیحی یا کلیمی بخواهم خدا داشته باشم ناچارم خدای یکی از این ادیان را انتخاب کنم، این خداها هم هر کدام صاحب دارد، آداب و ترتیب دارد متولی و شریتمدار دارد، برای داشتن این خدا باید ثبت نام کرد، حق عضویت داد و آبونمان پرداخت، من مسلمان بخواهم الله را به خدایی انتخاب کنم بایستی محمدابن عبدالله را به پیغمبری او قبول داشته باشم اگر شیعه هستم بایستی از امامت علی‌ابن ابیطالب و اولادان او و در پی شان به امام زمان و در غیبتشان به مجتهدین و فقها اطاعت کنم.

مطلبی که در نوشته جناب نوری علا برای من قابل فهم نبود، سکولاریسم بود که ایشان آنرا برداشتن واسطه‌ها بین خدا و انسان آورده‌اند که می‌باید غیر از این معنا داشته باشد. دلیل وجود خدا همین واسطه‌ها هستند و گر نه هیچ دلیل دیگری برای وجود او در دست نیست.

ما اگر بخواهیم فقط آخوندها را از خدا باوری خود کنار بگذاریم ولی دست به ترکیب خدا نزنیم، فردایی نه چندان دور، رندان دیگری با نام‌های دیگری وارد این معرکه سودآور می‌شوند و آتش همان آتش و کاسه همان کاسه خواهد بود.

ما نباید سخنان «ارشادگرانه» آخوند‌ها را که دیگر خریداری ندارد،

تکرار و با زبان اهل ادب که در دل هر عابد و زاهد و مسلمانی می‌نشیند به مردم بی‌گناه عرضه کنیم و معرکه از رونق افتاده نمایندگان دروغین خدا را از نور رونق ببخشیم (و خدا را از دست این فریبکاران به فریبکاران مترصد دیگر هدیه کنیم). این گناه به مردم و فرزندان خود ما است. پایان

بخشی از مقاله بلند دکتر مهرآسا

در پاسخ به آقای نوری علا نامه‌ی (۲)

گمان نمی‌کنم آقای نوری علا از تأثیر تربیت بی‌خبر باشند، دین باوری در همه آدمیان ریشه در تربیت خانواده و مدرسه دارد، مگر خداشناسی جدا از دین است...

آخر این چگونه خدایی است که تا قرن نوزدهم هرچه «داء و دوا» بود در دست او بود و او بود که ناخوشی می‌کرد و شفا می‌بخشید، به ناگاه دانشمندی به نام پاستور پیدا شده و ثابت کرد و در واقع به او گفت «تو نیستی که مریض می‌کنی، بلکه موجوداتی میکروسکوپی هستند به اسم باکتری» پس نباید گفت این چه خدایی است که میکرب را برای تولید بیماری به وجود آورده اما به رسولانش (موسی و عیسی و محمد) هیچ از این میکربها سخن نگفته است؟...

خداشناسی از روی عشق نیست که از روی ترس است، در زمانی که آیت‌الله محمدی گیلانی برای رضای خدا دو پسر خودش را محکوم به اعدام می‌کند و می‌کشد، عشق به زن و فرزند در وجود این گوساله مُرده و جایش را نه عشق خدا بلکه به عشق به خویشتن خویش برای گرفتن جایزه‌ی بهشت از سوی خدا تبدیل شده است...

شما بچه نوزاد یک دانشمند را به خانواده‌ای مار پرست و یا یکی از وحشیان آمازون تحویل بدهید و او را به مدرسه نفرستید و از تعلیم و تربیت والدین، معلم، ربای، کشیش و آخوند محروم کنید به طور یقین یا مار پرست بار می‌آید و یا وحشی.

خداشناسی و دینداری از مقولات تربیتی است و نامش هم در مدرسه «تعمیلات دینی» است.

پایان

پرسش‌های سردبیر بیداری از آقای نوری علا

نامه‌ی (۳)

آنچه را که پرسش اساسی بود اساتید پژوهشگر ما آقایان هوشنگ معین زاده و دکتر مهرآسا از آقای نوری علا کرده‌اند. باقیمانده چند پرسش ساده است که مطرح کردنش نه زبانی را سبب می‌شود و نه ایمانی را ترک می‌اندازد، بلکه از شمار پرسش کنندگان آتی خواهد کاست.

● آقای نوری علا شاعر و نویسنده توانا، آیا شما فرقی بین خدای ربوده شده امروز با خدای ربوده نشده پیش از انقلاب می‌بینید؟

دلیلی بر حضورش در جهان، پس خدا را می آفریند و بهشت و جهنم را، جهنم سهم دشمنان، بهشت برای خودش و فک و فامیل و دوستان. او قادر نیست که درک کند که همیشه حضور داشته و خواهد داشت، درک مفهوم «هستی در حال تحول» در ذهن مؤمن جا نمی گیرد.

اگر به وجود خدا اعتقاد دارید و فقط کمی اهل منطق هستید باید بدانید که چنان خدایی نیاز به ارسال پیامبر ندارد تا برایت آزادی بیاورد، آن هم به ضرب شمشیر و قمه. افلاطون با بیان اینکه ماده ازلی و ابدی است یعنی آفریدگار ندارد، ریشخندی حواله آنهایی کرد که با طرح مساله‌ی آفرینش و ابداع خدایان و ادیان گونه‌گون به صورت مداوم بر حجم و اندازه‌های خشونت و ظلم افزوده‌اند و می افزایند. خدا اگر بود و انسان را آزاد و برخوردار از عدالت می خواست، او را آزاد و عادل می آفرید و پوست از سر شیطان می‌کند، خدایی که از پس جنقولکی چون شیطان برنیاید و به جای نابود ساختن او بر قربانیانش سخت بگیرد، لایق ریشخند است و طرد شدنی این خدا و رسولانش پیشکش خدا باوران.

پایان بخشی از نوشته آقای ملک

از نوشته فیلسوف و متفکر ایران

پرفسور منوچهر جمالی نامه‌ی (۵)

خدای انسان را نمی‌شود ستود، چون نمی‌شود چهره‌اش را دید. کسی را بدون دیدن چهره‌اش نمی‌توان شناخت و نمی‌توان ستود. خدا و انسان و حقیقت و آزادی و عشق همیشه گم هستند، ما می‌توانیم درباره خدا، انسان، آزادی، دین و عشق فقط گمان بزینم، برترین شناخت هاگمان کردن است.

هنگامی که دین و ایدئولوژی بر جامعه‌ای چیره شود، گوهر افشاننده انسان را می‌خشکانند. فرهنگ ما آرمانهایی در خود پرورانیده است که در هیچ کدام از حکومت های خودی و بیگانه واقعیت نیافته است.

فرهنگ ایرانی در اسلام غالب (به زور شمشیر) درزها و شکافتگی‌ها برای پدیدار کردن خود می‌یابد و خود را با نام‌ها و اصطلاحات اسلامی پذیرا و پسندیدنی می‌کند. ولی این دوره در تاریخ ما از این پس سپری شده است و ما باید باگستاخی که از ژرف راستی برمیخیزد فرهنگ ایرانی را به خودی خود بگستریم و امکان به جوشش آشکار آن را در خود بدهیم.

غلبه اعراب توانست دین زرتشتی را با حکومت ساسانی از هم بپاشد ولی نتوانست فرهنگ ایران را از بن بکند.

از سخنان آقای علی میرفطروس

محقق اسلام شناس نامه‌ی (۶)

تاریخ ایران، تنها «تاریخ دینخویی» و «امتناع تفکر» نیست، چرا که جامعه دینخواه اساساً نمی‌تواند زکریای رازی، ابوموسی

● آیا پیر شدن انسان در خداشناس شدن و یا مذهبی گردیدن او مؤثر است؟

● آیا خدای دوست داشتنی شما، بخشاینده مهربان، پناه بی پناهان، چاره بیچارگان، مرهم دل دردمندان توانایی آن را نداشته است که در این کوچکترین سیاره هستی، زمین ما عدالتی، انصافی، موازنه‌ای، قانونی برپا سازد که چنین تر و خشک با هم نسوزند که انسان پس از یک عمر زحمت کشیدن سر پیری ناتوان و بیمار و منزوی نشود، که تیمارستانهایش پُر، بیمارستانهایش پُرتر و زندان‌هایش لبریز از اشرف مخلوقاتش نباشد، که بسیاری از دختران جوانش نازا و پسران پُر امیدش عقیم نباشند، که نوزادان و خُردسالانش افلیج و سرطان زده بدنیا نیایند، که برخی را بیش از حد لازم زیبا و بسیاری بیش از حد نا لازم زشت صورت نیافریند، که نگذارد بیگناهی اعدام گردد و یا به زندان بیفتد، که آب بارانش را طوری تقسیم و تنظیم کند که در کشورهای فقیر و عقب مانده خشکسالی و یا سیل و طوفان بیداد نکند، که جلوی افراد نابابی مانند هیتلر و استالین و خمینی به ایستد، که جلوی انقلابهای بد و دزدیده شدنی را بگیرد، که مردم بجان آمده و ناراضی ایران را از دست آیت‌الله‌های خداپاوار نجات دهد، و خود رُبوده شده‌اش را از دست ملایان برهاند؟

● جناب نوری علاء گرامی، آیا خردگرایی بهتر از خداگرایی نیست؟ و آیا خداوند جان و خرد حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر عهد بوق، عاقل تر و عادل تر، و نیرومند تر از خدای ربوده شده شما شاعر عهد فضا و عهد علوم پیشرفته نیست؟

● آیا کار زمانه چنان وارون شده است که آخوندهایی چون کدیور و نوری و اشکوری سر بسوی خداوند جان و خرد بر می‌گردانند و نویسندگان و شاعران مدعی روشنفکری ما سر بسوی سنگ سیاه کعبه گردانده و تبلیغ خداپاوری، خدا شناسی و خداگرایی می‌کنند که از بیخ و بُن اوهام و دروغ است و تاکنون باعث ریخته شدن خون میلیونها انسان شده است؟

● پایان سخن اینکه، ما چقدر بایستی سپاسگزار آیت‌الله‌هایمان باشیم که سبب شده‌اند خدای بی‌بو و خاصیت آزار رسان رُبوده شود و به زندان بیفتد و چقدر گله مند روشنفکران مان باشیم که شجاع‌الدین شفاها و دکتر انصاری‌ها و پرفسور جمالی‌ها را تنها گذارده و همراه یک قوم دروغپرداز بهشت فروشی می‌کنند.

پایان

از مقاله آقای کاظم ملک نامه‌ی (۴)

خدا در باور کسانی می‌نشیند که هیچ تصویری از کیتی و بی نهایت هستی ندارند. اصلاً نمی‌توانند مجسم کنند که «هست» از «نیست» پدید نمی‌آید و نیست هرگز نیست و نبوده، بشر اسیر اعتقادات موروثی، قادر به فهم این مطلب نخواهد بود که حضورش در گیتی موکول به لحظه‌ی لقاح والدین و بسته شدن نطفه‌اش و خروجش از زهدان مادر است، او در جستجوی زندگانی جاوید است و یافتن

خوارزمی، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ابن راوندی، خیام، ابومشعر منجم بلخی، کوشیار گیلانی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، و... پیروراند.

شگفت انگیز است که پس از گذشت ۲۷ سال از سلطه سیاه جمهوری اسلامی، ما هنوز در «کربلاهای سیاسی - ایدئولوژیک» سینه می‌زنیم و حال می‌کنیم!

ترک‌گویی و ترک‌خویی بزرگان صفوی و خصوصاً «عرب‌زدگی» آنان در دعوت از علمای شیعه جبل عامل لبنان برای تدوین فقه شیعه و رواج نوعی شعر و ادبیات شیعی در مدح امامان شیعه تأثیرات عمیقی بر فرهنگ، اخلاق و روان تاریخی ملت ما باقی گذاشت.

(این تأثیرات را در نامه ۷، نامه بعدی هم بخوبی می‌بینید)

نوشته شگفت آور دیگری از یار و همکار قدیمی آقای نوری علا، آقای عباس پهلوان در سر مقاله پانزدهم می - سال ۲۰۰۶ (حدود یک ماه پیش) روزنامه عصر امروز لس آنجلس.

براستی انسان‌ها میمانند، آقای پهلوان برای آزادی و آبروی ایران مبارزه می‌کند یا آبروی اسلام!

از سر مقاله آقای عباس پهلوان نامه‌ی (۷)

● مراجع تقلید، آیات عظام و مدرسین حوزه‌های مذهبی، چرا در برابر این همه توهین به خدا و رسول خدا و ائمه از سوی آخوندهای حاکم خفقان گرفته‌اند؟

● احمدی نژاد در مقام حضرت رسول اکرم! نخیر کار از دست انداختن پیغمبر اعظم، امیرالمؤمنین، علی و حسن و حسین و فاطمه و خانواده عصمت و طهارت و سایر ائمه و حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌گذشته و حالا چندی است شیادانی که خود را نماینده الله در روی زمین می‌دانند هر کجا کم و کسری دارند... فی الفور آن را بحساب خداوند می‌گذارند.

● کدام الهام خداوندی می‌تواند به یک هالومشنگ (احمدی نژاد) یک مشت لاطائلات را ابلاغ کند و او را در جایگاه حضرت محمد بنشانند.

● انگار دستجمعی کمر به باطل کردن دین خدا و اسلام بسته‌اند که همگی با سکوت خود این توهین به مردم و اسلام و مملکت را خیلی آسان بپذیرند.

● این بنده نمی‌فهمد که چطور یک آخوند درجه اول این طور قلب و دغل در کار خداوند می‌کند.

پایان نامه ۷

اینطور که آقای پهلوان ما نگران از بین رفتن اسلام است آخوندها که خود آورنده و سازنده این دستگاه تزویر و ریا هستند نگران بی‌آبرو

شدن خانواده عصمت و طهارت و از بین رفتن اسلام عزیز نیستند. این هم از عجایب روزگار سیاه شده ما است که باید گفت خوش بحال ائمه اطهار و رسول اکرم، حسن و حسین و علی و تقی و نقی و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه! که این همه طرفدار روشنفکر در ایران دارد. بابا سد رحمت به این آقای عبدالعلی بازرگان که فکر می‌کنیم به دشمنی با مردم ایران برخاسته است یا بیچاره سلمان فارسی که کلی بدنام گردیده. امیدواریم که این نوشته از آقای پهلوان بدست آقای هوشنگ معین زاده و دکتر انصاری و دکتر مهرآسا و آقای میرفطروس نیفتد که فریادشان به آسمان خواهد رفت. باور کنید هیچ دلمان نمی‌خواهد کوچکترین ناراحتی برای دوست مبارزمان آقای عباس پهلوان ایجاد کنیم و خاطر مبارکش را بیزاریم و احیاناً با قلم توانای خود ما را بنازود، ولی باور کنید از دست این انسان دوست داشتنی (بخاطر مبارزات خستگی ناپذیرش با جمهوری اسلامی) در دفاع از اسلام جان بسر شده خفقان گرفتیم. همه گذاشتند کنار جز این مرد شریف، می‌ترسیم نکنند که تهدید و تحیب شخصی یا سازمانی او را وادار به این کار می‌کنند که اگر چنین نباشد به ایشان می‌گوییم استاد عزیز، مبارز خستگی ناپذیر، آیا شما نگران آبروی ایران هستی یا ائمه اطهار و امام حسین و امام حسن و امام زمان؟ کوسه و ریش پهن که نمی‌شود، شما که خود و خانواده‌ات از همه بیشتر از اسلام آسیب و زیان دیده‌ای. استاد گرامی آقای پهلوان، باور کنید آخوندها مقصر نیستند، این بیچاره‌ها خودشان قربانی فلسفه خشن و غیر انسانی اسلام هستند مثل اینکه شما سخنان کدیور و نوری و اشکوری را در مورد ضد بشر بودن اسلام نمی‌خوانید، اینطور که معلوم است «بیداری» ما را هم نمی‌خوانید؟ و یا موضوع را جدی نمی‌گیرید، آخوندها مجری دستورات پیامبر اعظم و اکرم و اولیاء الله هستند. خمینی بارها گفت ما نمی‌توانیم مانند علی‌ابن ابیطالب اسلام را اجرا کنیم و راست هم می‌گفت، بالاخره این ها کمی خون ایرانی هم در رگ هایشان جاری است. ببینید کدیور و نوری و اشکوری و ابطحی و... را در جریان انقلاب به عمق خبثت اسلام پی بردند ولی بیشتر از این که می‌گویند و می‌نویسند کار دیگری (فعلاً) از دستشان ساخته نیست. شما با اسلام چنان تنگاتنگ شده‌اید که فراموش کرده‌اید اجداد شما در مازندران جزو آخرین بخش های ایران بود که بناچار مسلمان شدند. نوشته شما در سر مقاله عصر امروز کاری کرد که خدا پرست شدن آقای نوری علا را فراموش کردیم، به راستی در برابر نوشته شما آن بابا چیزی نگفته بود.

اگر در اثر ترس و ضعف می‌خواهید، در کنار اراده و خرد خود خدایی را هم داشته باشید
هر خدایی را که می‌خواهید پیرستید، پیرستید! جز خدایی را که آخوندها ساخته‌اند.
خدایی که فقط از چند هزار سال پیش ساخته شد واهی است و وجود ندارد

استاد حسن شهباز هم رفت

رکن دیگری از ارکان ادبیات ایران را از دست دادیم، آقای حسن شهباز یکی از فرزندان نامدار ایرانزمین بود که در کارهای ادبی از افراد استثنایی جامعه بشمار میرفت. مدتها طول کشید که ایشان را در ارتباط های خصوصی راضی به بررسی وضع اسلام در ره آورد کردیم به طوریکه سال گذشته رضایت خود را در ورود به انبان اسلام که برآستی جز لعنت در آن نیست، بطور مشروط به سردبیر بیداری ابراز کرده بود و نخستین آثار این کار ارزشمند و ملی را در سر مقاله ره آورد شماره ۷۳ بشرح زیر می بینیم - راهش پُر رهرو و نامش زنده باد. در یادداشت سردبیر که همان سرمقاله استاد بود از زبان نویسنده ای مسلمان که نامش را نیاورده می نویسد.

تولید ناخالص ملی ۵۷ کشور اسلامی بر روی هم ۳ تریلیون دلار است. در حالی که آمریکا به تنهایی کالاها و خدماتی به ارزش ۱۰/۴ چین ۵/۷ و ژاپن ۳/۵ تریلیون دلار تولید می کنند، حتی تولید ناخالص هند حدود ۳ تریلیون دلار برآورده می شود، یعنی برابر با ۵۷ کشور مسلمان! کشورهای عرب غنی از نفت، در مجموع کالاها و خدماتی «عمدتاً نفت» در مجموع ۴۳۰ میلیارد دلار تولید می کنند.

مسلمان ها که ۲۲ درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند، کمتر از ۵ درصد تولید ناخالص ملی جهان را بوجود می آورند. فقیرترین کشورهای جهان شامل، اتیوپی، سری لانکا، سیرالئون، افغانستان، کامبوج، سومالی، نیجریه، پاکستان، لوزامبیک است.

نتیجه آنکه مسلمانان جهان را باید در میان فقیرترین فقرای جهان یافت. این ۵۷ کشور مسلمان دارای میانگین ۱۰ دانشگاه در هر کشور هستند. در مجموع برای ۱/۴ میلیارد مسلمان، کمتر از ۶۰۰ دانشگاه وجود دارد در حالی که هندوستان دارای ۸۴۰۷ دانشگاه و آمریکا ۵۷۸۵ دانشگاه هستند از میان ۱/۴ میلیارد مسلمان تنها دو نفر، احمد زوایل و عبدوس سلام تنها انسان هایی هستند که موفق به دریافت جایزه نوبل در فیزیک و شیمی شده اند.

طی ۱۰۵ سال گذشته از میان ۱/۴ میلیارد مسلمان، تنها ۸ نفر موفق به دریافت جایزه نوبل شده اند، در حالی که از ۱۴ میلیون یهودی تاکنون ۱۶۷ نفر به این مقام رسیده اند، از کل جمعیت ۱/۴ میلیاردی مسلمانان کمتر از ۳۰۰ هزار نفر به عنوان محقق واجد شرایط تشخیص داده شده اند در حالیکه آمریکا دارای ۱/۱ میلیون محقق است، ژاپن دارای ۷۰۰ هزار محقق می باشد، نتیجه آنکه از میان ۱/۴ میلیارد مسلمانان ۸۰۰ میلیون نفر بی سواد هستند، از هر ۱۰ مسلمان ۶ نفر قادر به خواندن نمی باشند - در صورتی که در میان تمام کشورهای مسیحی جهان ۷۸ درصد جمعیت با سواد وجود دارد.

مسلمانان با ۲۲ درصد جمعیت جهان، ۱ درصد از جوایز صلح نوبل را به خود اختصاص داده اند، یهودی ها با ۰/۲۳ درصد جمعیت جهان ۲۲ درصد جوایز نوبل را از آن خود نموده اند.

اما واقعاً کار از کجا خراب شده است و مسلمان ها فقیر بی سواد و ضعیف اند، چگونه چنین شده است؟

دعای کمیل در کالیفرنیا و هالیوود!!

فرهنگ ایرانی در دعای عربی م - م

من دیش برای نگاه کردن به تلویزیون های ایرانی را ندارم و از این موهبت محروم، اما گاه گاه برای تنوع و آشنایی با دست پخت صاحبان رساله های تصویری، بر روی اینترنت مروری می کنم در کل این رسانه ها تا نکته ها بینم و بر معلومات بیفزایم. در یکی از این گردش ها در اینترنت، تلویزیون آپادانا که از شمال کالیفرنیا به سراسر جهان پخش می شود دیدم یک آگهی که همان لحظه بر روی صفحه ظاهر شد و گوینده نیز به صورت شفاهی آن را تکرار کرد. آگهی در ظاهر تبلیغ «مرکز فرهنگی ایرانیان» در شمال کالیفرنیا بود که پس از مقدمه و اندکی تبلیغ چشم خورد به این جمله که با خطی درشت تر از بقیه نوشته شده و از بقیه ی متن جدا بود.

«... در ضمن، جمعه شب ها هم مراسم دعای کمیل در این مرکز برقرار است...»

هیچ کس نمی تواند اندازه ی شگفتی و حیرت و در همان حال عصبانیت مرا از این آگهی حدس بزند... میهن را ترک کرده باشی و از دست فقیهان و دستوره های مذهبی و حکومت ابداعی شان فرار کنی، ساکن کالیفرنیا شوی، بر مردم و هم میهنانت منت گذاری که مرکز فرهنگ ایرانی برایت درست کرده ام، آنگاه دوباره به همان خزعبلاتی که آخوندها در گوش و مغزت فرو کرده اند متوسل شوی و شب جمعه به دعای کمیل روآوری تا گناهان را با خواندن متنی از کلمات عربی که هیچ از معنای آن سر در نیاورده ای پاک کنی... اف بر ما وای بر عقل و کیاست این هم میهنان ما.

هنوز از ضربه ای که در اثر دیدن این آگهی خورده بودم به خود نیامده بودم که در روی اینترنت چشم خورد به آگهی «بنیاد انتفاعی هجرت» وابسته به گروهی از مسلمانان در کالیفرنیا جنوبی که برای ساختن مسجد النبی مشغول جمع آوری پول هستند. طبق محتوای آگهی، حضرات زمینی را به مبلغ ۱۴۰۰۰۰۰ (یک میلیون و چهارصد هزار) دلار خریدارند و اکنون برای ساختمان آن به گدائی ی اسلامی مشغولند. من نمی دانم آن یک میلیون و چهارصد هزار دلار چگونه تهیه شده است؟ آیا کل آن را حکومت آخوندهای شیعه در ایران تأمین کرده است یا سهم اعظم را خامنه ای پرداخته است؟ به هر حال هرچه هست و از هرکه هست، در نفس امر تفاوتی ایجاد نمی کند که ملاهای معمم و کت و شلواری با درجات دکتر و مهندس، ما فراریان از دست دین و آخوند را در امریکا هم تعقیب می کنند تا زهر دین را در ذره ذره ی بدنمان بچکانند.

بسیار محتمل است که نام «یغما جندقی» را شنیده باشید. او شاعری طنز پردازد و هزل سرا در قرن سیزدهم هجری است از یکی از شهرهای کوچک در کناره کویر به نام جندق و روستائی به نام «خور» که علیرغم اینکه تحصیلات قدیم دینی داشت، با دین و مذهب هیچ الفتی نداشت. در باره او می گویند روزی از جلو مسجدی رد می شد دید عده ای از مؤمنان سگی را به سختی با چوب و سنگ می زنند؛ علتش را پرسید، گفتند سگ به درون مسجد رفته و مسجد را آلوده است. یغما گفت: «خوب حیوان است و نمی فهمد؛ مگر من که می فهمم مسجد می روم؟» آری خردمند را با مسجد و محراب و منبر چه کار؟

ریشه‌های عقیدتی اسلام

مهندس ح - بزرگزاده

اقوام سامی که مسکن اولیه آنان شبه جزیره عربستان بود طی هزاران سال در مواقع خشکسالی در جستجوی چراگاه، سرزمین اصلی خویش را پشت سر گذاشته و به سرزمین‌های مجاور چون بین‌النهرین، سوریه، اردن و لبنان مهاجرت می‌کردند. و با شرایط مناسبی که در این سرزمین‌ها فراهم بود تمدن‌های کهن را چون آشور، کلد، سومر، بابل و پارس بوجود آوردند ولی آن عده که در عربستان باقی ماندند به علت شرایط اقلیمی نامناسب و عدم امکانات، تقریباً به همان زندگی بدوی بیابانگردی باقی‌ماندند و پس از ظهور اسلام سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا را به باد غارت گرفته و جهل و وحشت را در سراسر منطقه گسترش دادند.

سرزمین بین‌النهرین در واقع گهواره قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان بشمار می‌رود و تمدن بعضی از اقوام آن کهن‌تر از تمدن مصر است. سومریان بیش از ۵۰۰۰ سال پیش خط را اختراع کردند و پایتخت آنان شهر اور در غرب بصره بود. فنیقیان که در لبنان زندگی می‌کردند الفباء را اختراع نمودند.

سومریان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و پادشاهان سومر با همه خدمه و کنیزان و نگهبانان خویش به خاک سپرده می‌شدند تا در روز رستاخیز کنیز و نگهبان داشته باشند. آنان همچنین عقیده داشتند که خدای آنان «خدای ماه» در شب‌های معین از سال به معبد خویش که در طبقه آخر برج بلندی بنام زیگرات قرار داشت نزول می‌کند و بابلیان نیز به خداوند ماه عقیده داشتند و زیگرات‌ها در واقع منزل گاهی بین زمین و آسمان بوده و آخرین زیگرات پس از ظهور اسلام در زمان عباسیان در سامره ساخته شده که فی‌الواقع مناره مسجد عظیم سامره است و هنوز نسبتاً سالم باقی‌مانده.

افسانه طوفان نوح که در تورات و سایر کتب دینی با آب و تاب شرح آن رفته است افسانه‌ای سومری است و در این افسانه ذکر شده که چطور خداوند تصمیم گرفت نسل بشر را نابود سازد و تنها فردی روستائی بنام اوتتا پیشتیم (Unta pishtim) میبایست از این بلیه نجات یابد او کشتی ساخت و در آن کشتی زوجی از تمام حیوانات را جا داد و پس از آنکه بعد از شش شبانه روز طوفان فروکش کرد او سه کبوتر را پی در پی پرواز داد و وقتی کبوترها برنگشتند پی به وجود خشکی برد و بالاخره کشتی وی در قله کوهی به زمین نشست.

سومریان همچنین عقیده داشتند که انسان از گل ساخته شده و در قرآن نیز خلق انسان از گل و خلق جن از آتش ذکر شده است.

حمورابی پادشاه بابل که حدود ۳۷۰۰ سال پیش می‌زیسته اولین قوانین مدون دنیا را تدوین کرده است و در لوحه قوانین وی در آوردن چشم در برابر چشم و بریدن گوش در برابر گوش عیناً طبق آنچه که بعدها در تورات و قرآن ذکر شده توصیه گردیده است.

در سنگ نوشته‌های بابل همیشه حمورابی در زیر هلالی از ماه نشان داده می‌شود که علامت خدای ماه است و هلال ماه هنوز بر پرچم بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان دیده می‌شود و با دیدن هلال ماه بسیاری از مسلمین به تلاوت ذکر دعا می‌پردازند.

دیگر از اقوام سامی نژاد بین‌النهرین آسوریان بودند. خدای آسور با پادشاهان آن سرزمین که فی‌الواقع پیامبران آنان بودند واسطه بسیار نزدیکی داشت و به کمک آنان در جنگ‌ها شرکت می‌کرد. سربازان آسور را متعصبین مذهبی تشکیل میدادند که بدون مهاذا از مرگ فداکارانه می‌جنگیدند. پادشاهان آسور به نام خدای آسور ولی عملاً برای حفظ منافع خویش شهرها و مردمان مغلوب را از دم تیغ گذرانیده و یا به اسارت در می‌آوردند آسوریان در اوج قدرت خویش سوریه، بابل، مصر، اسرائیل و ایلام را در تصرف داشتند. شلاق زدن، زنده به گور کردن، به میخ کشیدن، کور کردن و قطع دست و پا و زنده زنده پوست کنند از اعمال عادی رهبران آنان بوده است.

آنان می‌کوشیدند سایر ملت‌ها را نابود کرده و خط و زبان و دین آنان را منسوخ نمایند و خدای آسور نیز بر تمام جنایات آنان صحنه می‌گذاشت عیناً همین طرز رفتار و جنایات که در حمله اعراب دیده می‌شود، و در آیات متعددی از قرآن به کمک و شرکت مستقیم خداوند در جنگ‌های مسلمانان با کفار اشاره شده است و در یک مورد خداوند حتی به کمک اعراب، لشکر مسیحیان را به عقب نشینی وادار می‌کند در افسانه اصحاب فیل ابرهه پادشاه حبشه که مسیحی بود بقصد تسخیر مکه به آن شهر حمله می‌کند ولی در بین راه الله بت بزرگ خانه کعبه به مرغان دستور میدهد قشون ابرهه را سنگباران کنند و آنان را وادار به فرار نمایند و این افسانه به همین صورت در قرآن شرح داده شده است.

توضیح: ظاهراً قشون ابرهه بعثت شیوع آبله و یا وبا مجبور به انصراف از تصرف مکه می‌گردد و داستان سنگباران قشون ابرهه توسط مرغان افسانه‌ای بیش نیست.

توضیح ضروری

استاد گرامی دکتر رحمت مهر از لطف کرده طی نامه‌ای توضیح داده‌اند، در بیداری شماره ۱۷، مطلب سال کوروش، اشتباهی رخ داده است که تصحیح شود. نوشته‌اند، انقراض سلسله آشور بدست کوروش نبوده بلکه ۹۷ سال پیش از کوروش در سال ۶۱۲ این سلسله بدست پادشاه ماد بنام هوخستر از میان برداشته شده است. کوروش هیچ یک از متصرفات خود را ویران نکرد و حتی با پادشاهانی که با او می‌جنگیدند با مهربانی رفتار می‌کرد. از توضیح مهم دکتر مهر از سپاسگزاریم.

کوتاه شده‌ی نامه‌های وارده

به همت افراد زیر، بیداری شماره ۱۹ هم زودتر از موعد به‌زیر چاپ رفت و حاضر شد. کمک‌های این یاران، همراهی، همکاری و مبارزه‌ای است جانانه با دشمنان ایران که مستقیماً بدست خود انجام میدهند. از همت شما که دلتان نمی‌خواهد این چراغ از فروغ بیفتد بی‌نهایت سپاسگزاریم.

* من افغانی هستم، افغانها بسیار تاریک‌تر هستند، بیداری را نزد یک افغان دیگر مطالعه کردم به آدرس خودم بفرستید، ۲۰ دالر ضمیمه است به‌امید پش رفت بیداری - خلیل

* من مهین امانپور هستم و ترسی از بردن نامم نیست، شما که از ضعف بودجه رنج می‌برید، چرا آگهی نمی‌گیرید.

پاسخ - خانم امانپور با سپاس از راهنمایی شما - ما نمی‌توانیم هر نوع آگهی را بپذیریم، بیشتر ایرانی‌ها هم جرات نمی‌کنند به ما آگهی بدهند آنها می‌ترسند مشتری‌های متعصب خود را از دست بدهند ...

* هرگاه بیداری بدستم می‌رسد، یادم می‌آید که ماه پیش می‌خواستم کمک کنم و باز هم فراموش کرده‌ام. پروانه

* آیا نام و نشان و نوشته و مقاله‌های ما در جایی محفوظ نگهداری می‌شود که نگران نباشیم. نام محفوظ

پاسخ - هیچ اثر و نشان و آدرس و نامی در جایی ثبت و نگهداری نمی‌شود. مدت‌هاست پس از انتشار هر شماره بیداری هرچه مربوط به آن شمار و یا در آن ماه بدست ما رسیده از بین برده می‌شود جایی برای جمع‌آوری کاغذها و وقتی برای بازخوانی آنها نداریم.

* توانایی مالی ندارم ولی با نهایت میل این مبلغ ناقابل را (۳۰ دلار) تقدیم می‌کنم، نام مرا نبرید، نه به این جهت است که می‌ترسم، بلکه ناقابل است و شرم دارم. حسین

* نامه‌ای بسیار زیبا با نثری خواندنی در راه تشویق ما به ادامه راه از جناب سرهنگ مریدی رسیده است که سپاسگزارشان هستیم و اگر شماره‌ای بین یک تا ۱۷ هرکدام را دریافت نکرده‌اند تلفنی آگاهمان کنند که برایشان فوراً بفرستیم.

* دوست نازنینی از ژنو پایتخت زیبای کشور سوئیس به همراه ۵۰ دلار که برای چندمین بار برای ما فرستاده‌اند در نامه خود به نکوهش از هم میهن دیگری پرداخته و می‌نویسد اگر چه مرد این خانواده خرافاتی نیست ولی در کار سفره نذری انداختن به‌خاتم خود حسابی کمک می‌کند و به‌نوعی ترویج خرافات می‌نماید...

* خواننده بدون نامی نوشته است - میلیونها نفر از اسلام پیروی می‌کنند، راه مبارزه با خرافه‌گرایی مبارزه با دین و مذهب نیست، راه مبارزه با خرافه‌گرایی زدودن افکار پوسیده فرهنگی است.

پاسخ - راه مبارزه با خرافه‌گرایی، زدودن افکار پوسیده فرهنگی یعنی چه؟ آیا دین و مذهب ریشه همه خرافات و گمراه کردن انسان‌ها نیست؟ چند مورد از افکار پوسیده فرهنگی را که باعث عقب ماندگی، جنگ، گُشتار و تروریسم می‌شود، و مربوط به دین و مذهب نمی‌شود، لطفاً نام ببرید.

* استفاده از واژه «تازی» برای اعراب اهانت آور است. من دوستان فلسطینی و لبنانی و مصری دارم که از لحاظ انسانی مانند دیگر افراد هستند، به من گفته‌اند چرا ایرانیان از آنها متنفر هستند.

پاسخ - از اینکه واژه «تازی» اهانت آور است مطمئن نیستیم ولی درکل، سخن شما درست است، اگر دقت کرده باشید چند شماره گذشته بیشتر از واژه عرب سود می‌بریم تا تازی.

* از (یک مسلمان زاده) نامه مفصلی در ۵ صفحه دریافت کرده‌ایم که یکاش جای کافی برای چاپ آن داشتیم - در این نامه مطالب جالب

۵۰ دلار آقای ج - م ساتاکروز

۹۰ دلار آقای س - ک سانفرانسیسکو

۲۰ دلار آقای پ - ه سان رافائل

۵۰ یورو آقای م - الف هلند

۱۰ دلار آقای ف - ک وودلند هیلز

۲۰۰ دلار آقای ق - ر سن حوزه

۵۰ دلار آقای جواهر فروش واشنگتن

۲۰ دلار آقای ر - الف اورنج کانتی

۵ دلار خانم الف - ب لانگ بیچ

۳۰ دلار خانم الف ع رنچو پالاس ورس

۲۰ دلار آقای ص - وست هیل

۲۰ دلار آقای ح - خ مرلند

۱۲۰ دلار آقای پ - ر کانادا

۲۰ دلار آقای ش - ش ویرجینیا

۲۶ دلار آقای ب - ن لس آنجلس

۱۰۰ دلار آقای م - ف مرلند

۱۰۰ دلار آقای ج - الف پالم اسپرینگ

۱۰۰ دلار آقای ح - ش مرلند

۱۰۰ دلار آقای م - س سان حوزه

۲۰۰ دلار آقای ج - الف پالم اسپرینگ

۳۰ دلار خانم الف - ش سان حوزه

۳۰ دلار آقای م - ر ویرجینیا

۵۰ دلار سرهنگ ک - مریدی ماساچوست

۵۰ دلار خانم الف - الف لس آنجلس

۱۰ دلار آقای م - ت میشن ویه هو

۴۰ دلار دکتر م - م لاگونا نیگل

۱۰۰ دلار آقای ب - ز ویرجینیا

۲۰ دلار دکتر الف - س شرمن اوکس

۵۰ دلار آقای ن - بورلی هیلز

۶۰ دلار آقای ع - ک سندیاگو

۲۰ دلار آقای ح - س تارزانا

۶۰ دلار آقای ر - ر تکراس

۲۰ دلار آقای ص - تارزانا

۲۰ دلار آقای پ - الف

۵۰ دلار آقای پ - م لوس گاتوس

۵۰ دلار آقای ک - الف ساوت گیت

۵۰ دلار دکتر م - م لاهابرا

۵۰ دلار آقای م - ب ژنو

۵۰ دلار دکتر ب - ب نیوجرسی

۲۰۰ دلار آقای م - ز سندیاگو

۱۵ دلار آقای ذ - سن حوزه

اگر نامتان اینجا نیامده در شماره بعد خواهد آمد.

تحقیقی از دروغ‌گویی‌ها و فریبکاریهای حکومت اسلامی در باره، ربح و ربا، وام و کارمزد، فقه و شریعت محمدی، مشارکت مدنی، قراردادهای مزارعه و مضاربه در بانکها و قراردادهای قلابی، وام‌های سلف (پیش فروش) که خود ایشان به‌عنوان مدیر مالی شرکتی در جریان کارها بوده‌اند، به تشریح نوشته‌اند که سند جالبی بر قلب‌های مسلمانان حاکم بر ایران است.

* روز اول نوروز تلویزیونهای ایرانی را تُند تُند عوض می‌کردم که بهترین برنامه نوروزی را ببینم، اتفاقاً در تلویزیونی که می‌گفید سیاسی نیستم و شب و روز برنامه‌های بشکن و بالا بنداز دارد، روز اول سال خواننده‌ای بنام بهرام فروهر در مدح امام حسین می‌خواند و روز عید ما را به عزا تبدیل کرد. مگر اینها سواد ندارند که تاریخ را بخوانند.

سامان - ک خانم - ح - ف - ضمن نامه مفصل خود پرسش کرده‌اند ۱- بشر چگونه از ابتدا خلق شده ۲- آیا به گفته عده‌ای شما اعتقاد به کمونیست بی‌خدایی دارید یا به نیروی مافوقی که تمام جهان و موجودات آن را خلق کرده است.

۳- اگر خدا و قدرتی مافوق وجود ندارد به چه دلیل تمام بیمارانی که قابل علاج نیستند و یا افراد مسن را که دیگر نمی‌توانند کاری بسود جامعه انجام بدهند از بین نمی‌بریم تا مخارج آنها را صرف زندگی جوانان کنیم.

پاسخ کوتاه - در مورد خلق بشر آنچه را که علم ثابت می‌کند، به همان شکلی که یک دانه را می‌کارید و با تولید مثل خود بیشتر می‌شود. سلول‌های اولیه‌ای که در شرایط مناسب جوی قرار گرفته بودند به تولید مثل و تکمیل شدن (اصل تکامل) پرداختند و طی میلیون‌ها سال همان تک سلولی‌ها به شکل انسان امروزی رسیده‌اند، یک مثال ساده که خود شما شاهد آن هستید، عوض شدن ریخت و قیافه هر روزه جوانان است، قد و قیافه جوانان پنجاه سال پیش ژاپنی و ایرانی و غیره را به یاد بیاورید و قد و هیكل و حتی زیبایی چهره جوانان امروز را نگاه کنید و براحتی تکامل جسم انسان را می‌بینید، هرچه شرایط مناسب تری باشد این رُشد می‌تواند ادامه پیدا کند و ربطی به یک دست غیبی ندارد، ممکن است بپرسید آن سلول اولیه را کی ساخته، «شرایط مناسب جوی ساخته است»، می‌پرسید شرایط مناسب جوی را که ساخته، «جاذبه‌های لازم برای حفظ کرات»، کرات را که ساخته، «هنوز بشر به چگونگی ساخته شدن هستی نرسیده است و ساخته شدن کاینات بدست یک خدای نادیده از حدس و گمانهای بشری است که هیچ‌گونه پایه و اساس علمی و منطقی ندارد، تنها کشف علمی انسان که به ثبوت رسیده همان جریان تکامل است»

پاسخ دوم شما، خیر ما ایده کمونیستی نداریم، به اطلاعاتن برسائیم که برخی ما را وابسته به سلطنت برخی ما را وابسته به جبهه ملی هم میدانند، وابستگی ما در بیداری تنها و تنها به وجود نازنین همه انسانهاست که به دنبال یک زندگی انسانی، بدون جنگ، بدون فقر و بدون رفتن بدنبال موهومات و خرافات و بدون متکی شدن به یک ایسم هستند، ما زبان چنین طیفی هستیم، ضمن وابستگی به همه انسان‌های روی زمین وابسته به هیچ گروه مخصوص نمی‌باشیم. انسانهای دیگری هستند که زندگی خود را صرف آنگونه وابستگی‌های گروهی می‌کنند که آرزوی پیروزی برای همه آنها هم داریم.

۴- آخرین پرسش شما بقدری دلهره آور و ترسناک است که بهتر است در مورد آن سخنی به‌میان نیاید، ما ارج مینهیم به زندگی یک سلول - یک گیاه - یک جانور، زمین، آب، آتش، و سر تعظیم فرود می‌آوریم بر اشرف مخلوقات که نخواست و ندانسته گرفتار یک زندگی بد سرانجام بشکل پیری و ناتوانی شده است. البته این کار زمانی که اندازه‌های دردهای ناشی از کهولت و بیماری فراسوی تحمل انسانی باشد که به یاری پزشکان می‌تواند انجام گیرد.

* آقای طوفان از سوئد چند قطعه شعر فرستاده‌اند که متأسفانه قابل چاپ نیست، و اصولاً ما در بیداری جایی برای درج شعر نداریم، و اشعار خوبی اگر مایشین شده باشند در سایت بیداری می‌گذاریم.

* ۲۰ دلار اضافه برآبونمان خود بخاطر سال کوروش بزرگ برایتان می‌فرستم.

* من بی دین نمی‌توانم به کسی توهین و یا جنایتی و خیانتی بکنم ولی آنها که دین دارند، بنام خدا و پیغمبر و امام هر جنایتی را که بشود از دروغ‌گویی، کُشتن و تجاوز انجام میدهند - حمید.

* این نشریه باید از سدها سال پیش بوجود می‌آمد که به چنین روزگاری نمی‌افتادیم، ناصر قبادیانی شاعر بلند آوازه ایران که اغلب از دست دینداران، آواره از وطن بود می‌گوید این حیلت بازان فقهایند شما را ابلیس فقیه‌است، گرانیها فقهایند. س - ک

چند خبر

□ به همت والای یک فرهنگی علاقمند به سرفرازی و رهایی مردم ایران از بند خرافات که ساکن اروپا هستند از این شماره ۵۰۰ نسخه به تیراژ بیداری افزودیم، با سپاس بیکران از مهر ایشان و با آرزوی اینکه دیگران هم به ایشان تأسی جسته و با اسپانسر شدن ۱۰۰، ۲۰۰ و یا نسخه‌های بیشتر تیراژ ما را دستکم نزدیک به تیراژ مجله مرکز اسلامی لس آنجلسی «بنیاد ایمان» که ماهیانه ۱۵ هزار نسخه است برسانند.

□ پس از جدا شدن یاران پیشین آقای فرود فولادوند از تلویزیون شما، دست به تأسیس یک سایت اینترنتی زده‌اند که به گفته مسئول این سازمان بزودی به روی ساتلایت و تلویزیون ظاهر خواهند شد. برای دیدن سایت ایرانبانان به WWW.IRANBANAN.COM مراجعه کنید. فعلاً در برنامه‌های هر روزه این سایت آقایان شایان کاویانی - دکتر نوشیروان - کورش سلیمانی - زرتشت ستوده - رضا فاضلی - فرنی - خانم کردیه - و بزودی هومر ابرامیان و تنی دیگر به مدیریت آقای فعال، فعالیت دارند. برای همه این مبارزان راه آزادی که مسیر خرافه زدایی را انتخاب کرده‌اند آرزوی پیروزی داریم. برای آقای فولادوند هم که در بخش تفسیر و افشای مطالب قرآن کار مفیدی انجام داده‌اند آرزوی موفقیت داریم.

دوستی فیما بین رسانه‌های مخالف اسلام که این رسانه‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شوند، مؤثرترین ضربه را بر ارتجاع وارد می‌کند و وارون اینکار آرزوی جمهوری اسلامی و مسلمانان است و از آن باید شدیداً پرهیز نمود تلفن سایت ایرانبانان دات کام عبارتست از

(678)584-9824

What Should We do With Religion

- This would be the best of all possible words, if there were no religion in it. John Adams U.S

President

- Christianity is the most ridiculous, the most absurd and bloody religion that has ever infected the world. Voltaire

- Nothing can be more contrary to religion and the clergy than reason and common sense.

Voltaire

- I don't have the Evidence to prove that god doesn't exist, but I so strongly suspect that he doesn't that I don't want to waste my time.

Issac Asimor

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

در نظر است پس از چاپ شماره ۲۰ بیداری، همه ۲۰ شماره را بطور مجلد و یک کتاب درآوریم تا هدیه خوبی برای دوستان باشد و در قفسه کتابخانه‌ها هم جای بگیرد - این کار به بودجه‌ای نیاز دارد که خوانندگان بیداری با پیش خرید دستکم ۱۰ جلد از آن می‌توانند این آرزو را برآورده کنند. برآورد اولیه ۲۰ دلار برای هر جلد می‌باشد.

تلفن و فکس کانون (858)320-0013

فکس دکتر مهر آسا 831-1346 (949)

بسیاری از اروپایی‌ها به دلیل اینکه «اسلام به آنها اجازه

بدرفتاری با زنان را میدهد» به اسلام روی می‌آورند.

تنودور دالری مهل روانشناس زندانهای بریتانیا

آخرین کتاب دکتر احمد ایرانی به نام «ده کتاب آموزنده»

منتشر شد.

در بخش نخست «آشنایی با هفت کتاب» به همراه ترجمه‌ای از کتاب

«تاس پین»، چکیده کتاب «پژوهشی در زندگی علی» و «نقدی بر

اندیشه‌های کسروی» آمده است.

این کتاب جالب را از کتاب فروشی‌های محل خود بخواهید.

تلفن و فکس «بیداری» 858-320-0013

شماره حساب پرداخت آبونمان و کمک

بانک، آو، امریکا شعبه مک آرتور شهر

ارواین 24390-04777 می‌باشد.

www.bidari.org

Tel & Fax 858-320-0013

U.S.A

San Diego CA 92192

P.O.BOX 22777

C.C.E.S. بیداری

Presorted std
US Postage
Paid
Irvine, CA
Permit # 296